

نگاهی به

برخی اسناد روابط خارجی ایران در دوره قاجار

در میان مجموعه اسنادی که در سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود گنجینه نفیسی مربوط به دوره قاجاریه وجود دارد که از ریزش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تخمیناً می‌توان گفت که از نظر کمیت، سه چهارم از اسناد این مجموعه به دوره ناصرالدین شاه و قسمت عمده یک چهارم باقی مانده به دوران فتحعلی شاه و محمد شاه اختصاص دارد. بخش کوچکی از اسناد این مجموعه نیز به عصر مظفرالدین شاه و پس از آن مربوط می‌شود.

قدیمی‌ترین سند موجود مربوط به دوره قاجار، فرمانی است از فتحعلی شاه در دستور آزار و شکنجه عسمر و عروس صادق خان شقاقی در ملائیم عام به تاریخ ذیحجه ۱۲۱۲ ق. یعنی اولین سال سلطنت فتحعلی شاه، تاریخ سند نشان می‌دهد که این فرمان مربوط به بار دومی است که صادق خان شقاقی علیه شاه شوریده است، زیرا شورش سوم او که منجر به قتلش گردید، به طوری که در شرح حال او آمده است، در سال ۱۲۱۴ ق. صورت گرفته است.

در انتهای فرمان خطاب به مجریان آمده است: «آنچه شأن فرمان است معمول دارند که عبرت عموم نمک به حرامان شود، در این خصوص نهایت سعی و اهتمام معمول داشته از فرموده تخلف نوزند.»

نکته جانب، جمله‌ای است که بعدها ناصرالدین شاه در حاشیه فرمان نوشته است:

«فرمان ب مزه‌ایست از خاقان مرحوم و حیثی عجیب»

از اسناد مربوط به دوره هر یک از سه پادشاه، یعنی فتحعلی شاه، محمد شاه و ناصرالدین شاه تا به حال حدود ۷۰ مجموعه با بیش از ۱۲۰۰۰ برگ از مکاتبات پراکنده و متفرقه در فواصل سال‌های ۱۲۳۸ الی ۱۳۰۳ ق. توسط کارشناسان سازمان فهرست و تحت عناوین مختلفی طبقه‌بندی گردیده که گاهی یک سند ذیل ۳ عنوان یا بیشتر طبقه‌بندی شده است. بعضی از این عناوین عبارتند از:

امور قشونی - ایلات و عشایر - گزارشات حکام و والیان ایلات و ولایات از حوزه مربوطه گزارشات و مکاتبات شاهزادگان، وزرا و مسئولین - امور مالی و مالیاتی - وقایع اتفاقیه شهر تهران - وضعیت نان و غله و گزارشات و مکاتبات ندرتون و حرم خانۀ شاهی - فرمان‌ها

— روابط خارجی و امثالهم.

قسمت عمده اسناد روابط خارجی دوره قاجار مربوط می‌شود به روابط ایران با انگلیس، روس و عثمانی، در رابطه با امور مرزی، پناهندگی افراد به سفارتخانه‌ها، گزارش‌های وزرای امور خارجه در مورد ملاقات با نمایندگان سیاسی و اعزام نمایندگان ایران به خارج، مذاکرات و مکاتبات مربوط به عهدنامه‌ها و امثالهم که در این مقوله معدودی از اسناد روابط خارجی ایران در سه دوره فتحعلی شاه، محمدشاه، و ناصرالدین شاه به تفکیک معرفی می‌گردند.

اسناد روابط خارجی در عصر فتحعلی شاه:

از میان اسنادی که تا به حال در باب روابط ایران و روس به آنها برخورد کرده‌ایم، برخی شامل نامه‌های نمایندگان دولت روسیه تزاری است به امثای دولت ایران در فواصل سال‌های ۱۲۴۶ تا ۱۲۵۰ ق. از جمله آنها نامه‌هایی است از کنیاز دولغوروکی، سفیری که بعد از قتل گریبایدوف («وزیر مختار») و بازگشت خسرو میرزا از روسیه که به جهت عذرخواهی قتل وزیر مختار راهی روسیه شده بود به ایران آمد. نامه‌های این سفیر کلاً دارای تاریخ و امضای دولغوروکی به فارسی و روسی است و عمدتاً به عباس میرزا و قائم مقام نوشته شده و در کنار امضای بعضی از نامه‌ها نوشته شده است: «دستخط جناب کنیاز دولغوروکی»

در بخشی از یک نامه^۱ که مربوط به ۲۰ شهریور جمادی الثانی ۱۲۴۶ ق. می‌باشد، دولغوروکی در رابطه با معاهده ترکمانچای به عباس میرزا می‌نویسد:

«مخلص را که ایلچی دولت بیهیة اعلیحضرت امپراطوری مامور به ایران می‌باشد، لازم است به دقت تمام، به عمل آوردن مضامین عهدنامه مبارکه را مرعی و ملحوظ دارد چرا که مقصود اصلی در تعیین پسچی گری ما همین است.

در نتیجۀ همین نامه آمده است:

«مخلص همیشه آنچه فرض خود است مرعی داشته و خواهد داشت، مخلص را از مشاهده کردن بین بسیار دلگیری و زحمت حاصل است که عهدنامه مبارکه که باید دو دولت را منتفق و متحد سازد نواب والا را از عین آوردن مقتضیات عدالت و استحضار روابط دوستی منع می‌نماید.» مؤلف کتاب از صیانت نیز خروج دولغوروکی از ایران را در تاریخ شوال ۱۲۵۵ ذکر نموده

است در صورتی که اسناد موجود نشان می دهد که وی حداقل تا جمادی الاخر سال ۱۲۴۶ در ایران بوده است. چنانکه در تاریخ ۷ جمادی الاخر در نامه ای که به قائم مقام نوشته، از بیماری خود و کاغذی که در باب مرخصی وی رسیده خبر می دهد و در بخشی از نامه می نویسد: «مناسب نمی دانم محب از ایران برود بدون اینکه اظهار احتیاج و ارادت خود را به اعلیحضرت شاهنشاه عظمی که در ایران آنهمه مرحمت و شفقت نسبت به دوستدار میدان داشته نه بنمایم.»

در بخش دیگری از همین نامه آمده است: «اگر حیات برقی باشد بعد از ده دوازده روز از ایران خداحافظ گفته روانه پطر بورگ خواهد شد و امورات را به عالیجاه، میرزا بزرگ نسیم می نسیم.»

شخصی که کنیز دولغورکی از او به عنوان جانشین خود نام برده است، ن. پ. بزرگ N.P. Bezak شوالیه و مشاور دربار روس بوده که موقتاً امور سفارت و سرکنسولگری روس در ایران را اداره می کرده است. همان صور که دولغورکی نیز نوشته، وظایف وی را بعد از عزیمت و انجام می داده و پشت نامه های او منسوخ شده است به مهر فرسی به سجع «عبده اراجی بزرگ»، خود این شخص در دو بخش جداگانه در نامه ای^{۱۰} به عباس میرزا در ۵ جمادی الثانی ۱۲۴۷ می نویسد: «بعد از رفتن عالیجاه کنیز دولغورکی توقف این مختص در دربار سپهر بسطت از طرف وزره مامضی و محقق گردید.»

«وظیفه این ارادت اندیش مقتضی است که استحضار اهل اروپا را که به تحت حمایت ایلچی گری که حالا مخلص بزرگ آن است پناه می آورند مراعات نمایم.»

در یکی از نامه ها^{۱۱} که پشت آن معهور به مهر بزرگ است شخص نامبرده با خط روسی امضا کرده که در کنار امضا به فارسی نوشته شده است: «مباشراً امور سفارت و قونسولگری عالیجاه میرزا بزرگ»^{۱۲}

اسناد موجود بیانگر این نکته است که شخص مزبور در نحوه اجرای معاهده ترکمانچای نقش اساسی داشته و گاه حتی پا را فراتر از حدود آن می گذاشته است. از جمله در باب تجارت بین دو کشور لازم به توضیح است که بعد از عهدنامه ترکمانچای، روسیه سیاست خود را نسبت به

ایران عوض کرد و تصمیم داشت که با سیاست آرام و ملایمی دامنه نفوذ خود را در ایران توسعه دهد و وضع سیاسی و اقتصادی خود را در ایران محکم نماید. دولت روسیه بری اجرای این سیاست دست به تاسیسات تجاری زد تا بتواند مواد و محصولات خام کشور ایران را که مورد احتیاج کارخانجات روسیه بود، به دست آورده و تجارت ایران را منحصر به خود نماید و ضمناً مال التجاره های خود را در بازارهای ایران به فروش رساند. روابط تجاری ایران و روسیه در این تاریخ توسعه بسیار پیدا کرد و کم که دست سایر کشورهای اروپا از بازارهای ایران کوتاه گردید و فقط دولت روسیه بود که مواد خام مورد احتیاج کارخانجات خود را از ایران وارد می کرد و در عوض، محصولات کارخانجات خود را در بازارهای ایران به فروش می رسانید.^{۱۳}

در این رابطه گاه کار به تهدید و تحکم از طرف نماینده دولت روس می رسید. چنانکه شخص مزبور «بزرگ» در یکی از نامه های^{۱۴} خود به قائم مقام در رجب ۱۲۴۶ ق. به عمل گمرکچی گیلان در ارتباط با تجارت روسی اعتراض می کند به این که عمل گمرکچی آنجا خلاف قرار عهدنامه است و این برخلاف بارها اتفاق افتاده، وی در انتهای نامه متذکر می گردد: «هر قسم بندگداری که موجب رفع اینگونه خلاف حساب می شود بکنید. دیگر بعد از این انشاء الله چنین روی ندهد و خلاف عهدنامه ظاهر نشود.»

مجدداً در نامه^{۱۵} دیگری که این شخص در جمادی الاول ۱۲۴۷ به قائم مقام نوشته به امر تجارت گیلان اشاره نموده، حکم می کند که باید قرارهایی که من تکلیف کرده ام، خواه موافق عهدنامه و یا فرمان شاه باشد یا موافق مصلحت و نفع رعایای جانبین، شما باید معتمدالدوله را اصرار کنید که تکالیف مختص را قبول کند و یا به او حکم کنید که شرایط ما را قبول کند. (منظور از معتمدالدوله منوچهر خان ارمنی ملقب به معتمدالدوله است که در آن تاریخ مامور در نواحی شمال بوده است.)

سند^{۱۶} دیگری موجود است به تاریخ ۵ جمادی الثانی ۱۲۴۷ که بزرگ یک صاحب منصب روسی را به عباس میرزا معرفی می کند و به خدا و آبروی خود قسم می خورد که او لایق اعتماد است؛ متخصص در امور جنگ و دارای صفت راستی و درستی است و گلابه از این

مطلب می نماید که قبلاً این شخص را به قائم مقام معرفی کرده، ولی با عده اعتنا و سردی از جانب قائم مقام روبرو شده است.

در روابط ایران و روس در دوره فتحعلی شاه همین صور به نامه های از غراف ایوان سیمونیچ مربوط به سال های ۱۲۴۹ و ۱۲۵۰ ق برمی خیزد پشت نامه های وی منسوخ به مهری به سجع «غراف ایوان سیمونیچ وزیر مختار دولت بیته روسیه» می باشد.

در روز هفتم ژوئیه ۱۸۳۲ (۱۲۴۸ ه. ق.) ای. و. سیمونیچ I.O. Simoniteh نماینده جدید روسیه به دستور ک. و. نسلرود K.V. Nessel Rode وزیر خارجه امپراطوری روس و به فرمان عالی میراطور عازم ایران گردید، آقای سرهنگ، کنت سیمونیچ وزیر مختار امپراطوری روس در ایران در هجدهم اکتبر همان سال به جای ن. پ. بزرگ مستقیماً دست به کار زد، مقامی که وی حرز کرده بود از نظر سیاست خارجی و دیپلماسی روسیه بخصوص در آن ایام اهمیت بسیار داشت^{۱۷}.

سیمونیچ بیش از شش سال سمت وزیر مختاری روسیه در ایران را نداشته و به فرمان عالی امپراطوری مورخ ۳۰ آوریل ۱۸۳۸ (۱۲۵۴ ق) از کار برکنار شده است، اما چون ورود جانشین او سرهنگ آ. او. دگامس به تهران به تاخیر افتاد، پست خود را در ۱۵ نوامبر ۱۸۳۸ تحویل داده است.^{۱۸}

شخص مزبور در یکی از نامه های^{۱۹} که در تاریخ ۲۷ رمضان ۱۲۴۹ ق. به شاهزاده اعظم محمد میرزا (محمد شاه بعدی) نوشته از مرگ عباس میرزا ولیعهد اظهار تاسف و اندوه می نماید و خوشوقت است که بعد از این می تواند ارادت خود را به محمد میرزا ابراز نماید همچنین از تصمیم محمد میرزا برای رفتن به آذربایجان اظهار مسرت می کند.

در باره روابط ایران و انگلیس در این دوره، باید گفت که در سال های بعد از معاهده ترکمنچای دولت انگلیس دست از گریبان ایران بر نه داشته بود، زیرا ایران را یکی از میدان های مبارزه سیاسی خود با روس ها به حساب آورده این بود که می کوشید همان امتیازات و حقوقی را که دولت روس به وسیله معاهده ترکمنچای به دست آورده بود عیناً در ایران به دست آورد.^{۲۰}

در معرفی اسناد این دوره اکتفا می شود به

معرفی چند نامه از دو نماینده انگلیس در ایران، جان کمبل Sir John Nichool Robert Cambele و جان مکینیل Sir John McNeill، نامه‌های موجود از طرف این دو شخص که مهور به مهر فارسی با سجع «جان کمبل» و «جان مکینیل» می‌باشد، احتمالاً به حدود سال‌های ۱۲۴۹-۱۲۴۶ ق. مربوط می‌شود.

مکاتبات و اسناد نشانگر این نکته است که نمایندگان دولت‌های روس و انگلیس با جدیت و تحکم هرچه تمامتر بر اجرای عهدنامه‌های بین دو کشور نظارت داشته‌اند. مکینیل در نامه‌ی ۲۰ به قائم مقام، ضرورت اجرای فصل دوه عهدنامه تجارتي را که سرجان ملک در سال ۱۲۱۵ ق (۱۸۰۱ م) با دولت ایران بسته بود، خضر نشان می‌سازد و به تغییراتی که بعداً در فصول این عهدنامه ایجاد شد اشاره نموده و بر عده تغییر این فصل و لزوم اجرای آن تاکید کرده در قسمتی از نامه می‌نویسد:

«من بعد هم در خصوص این فصل عهد جدیدی بسته نشد، پس باید از قرار همان عهدنامه عالیجاه جنرال ملکه عمل نمائیم.»

لازم است که فصل دوم این عهدنامه که مکینیل آن همه در اجرای آن اصرار می‌ورزید یادآوری گردد:

«به تجار و سوداگران منکت انگلستان و ممالک هندوستان و یا کسانی که در خدمت دولت انگلستان می‌باشند، اجازه داده می‌شود که در بنادر و شهرهای منکت یا وسعت یران و در نقاطیکه خودشان صلاح بداندن قامت کنند، به متاعیکه متعلق به دولتین می‌باشد هیچ نوع مالیات و عوارض دولتی تمنق نخواهند گرفت، اگر مالیات یا عوارض باید داده شود فقط از خریدار اخذ خواهد شد.»^{۲۱}

در نامه بدون تاریخ دیگری که حتماً مربوط به ۱۲۴۶ ق. بوده و مکینیل به قائم مقام نوشته از رویدادهای نقاط مختلف ایران سخن می‌راند. مکینیل در قسمتی از نامه^{۲۲} خود می‌نویسد:

«جماعت اوزبیک که مذکور می‌شد به مشهد آمده خبر رسید رفته‌اند. دیگر در آنجا کاری نخواهد بود و معلوم است به هر سمت که بخواهند بروند به طور و قسمی باید رفت که از پشت سر اندیشه نداشته باشند و اگر از اتفاقات به قشون دولت دیگر برخوردارند چه دوست و چه دشمن خجالت نکشند.»

احتمالاً نامه فوق مربوط به زمانی است که نایب السلطنه از طرف فتحعلی شاه در سال ۱۲۴۶ جهت برقراری نظم به یزد و کرمان عزیمت کرده است (لازم به توضیح است که فرمان^{۲۳} فتحعلی شاه مبنی بر اعزاء عباس میرزا به یزد و دستور همکاری‌های لازم در این مورد به شجاع السلطنه حکمران کرمان و همچنین گزارش^{۲۴} عباس میرزا به آصف الدوله در این رابطه، در این سازمان موجود است.)

«آن جناب مطلع نمی‌باشند پیش از اینکه وارد یزد شوند بعضی مردم هزینه گوجه حرفها می‌زدند و هر قدر مردم میل به جانب نواب نایب السلطنه می‌نمودند از حرف‌های کذب مردم هزینه گوسرد میشدند.»

در بخش دیگری از این نامه مجدداً مکینیل به لزوم اجرای فصل عهدنامه‌ای که سرجان منکم در امر تجارت با دولت ایران بسته بود تاکید کرده و متذکر می‌گردد که:

«ما لابد هستیم در این خصوص هر گاه اهدال شود حرف بزئیم.»

در انتهای نامه در رابطه با همین مصعب می‌نویسد:

«توقع از آن جناب داریم که این امر را بطور خوشی بگذرانند و حرفی که باعث کدورت باشد از میان بربخیزد.»

در نامه‌ی^{۲۵} دیگر کسب خطاب به عباس میرزا می‌نویسد:

عرضه می‌دارد

«که مذکور شد پاره‌ای اشخاص اکثر اوقات بعضی عرضیه از زبان و قول دولت خواه به حضور مرحمت دستور حضرت والا عرض می‌کنند برای اقدس والا پوشیده نمائاد که هر کس عرض از قول دولت خواه بکنند و یا صحبتی از قول دولت خواه بدارد، در حضور والا از درجه اعتبار ساقط و معتبر ندانند دولتخواه هر عرضی داشته باشد یا بحضور اقدس عرض خواهد داشت یا آدم معتبری از خودمش عالیجاه مستر مکینیل روانه حضور اقدس والا خواهد ساخت. مستدعی آن است که حرف احدی را که بگزاران سرکار اقدس در امورات دولتخواه معتبر ندانند.»

فی شهر رمضان المبارک ۱۲۴۸
جان کمبل

اسناد روابط خارجی ایران در دوره محمد شاه:

اسناد روابط خارجی دوره محمد شاه تا آنجا که برخورد کرده‌ایم، بسیار اندک است و محدود می‌شود به اسنادی در رابطه با جنگ هرات و بعضاً در رابطه با عثمانی، از جمله آنها سندی^{۲۶} است که کارگزاران بغداد از طریق شیل، نماینده انگلیس گلابه می‌کنند که شایع شده است ایران قصد حمله به بغداد را دارد. سند دیگر مربوط به نامه‌ای است که غراف ایوان سیمونچ وزیر مختار دولت روسیه که قبلاً معرفی شد، به محمد شاه نوشته و در رابطه با جنگ هرات توصیه‌هایی نموده که متن آن ذیلاً درج می‌گردد (سند شماره ۱ در این مجموعه)

عرضه داشت دولتخواه قدیمی
اعلیحضرت شهرباری امر و مقرر فرموده بودند که بعد آنکه راه یورش از مقابل باستانیان باز شد چهار و پنج عراده توپ مقابل سنگر کلبعی خان بگذرانند که از آنجا نیز رخنه به هم رسد حسب لایققضی اخلاص و خیرخواهی دولتخواه جسارت به عرض می‌کند که این فرمایش مخالف عمده قواعد جنگی است. علاوه بر این باعث تضییع یورش نیز می‌شود، چرا که برای اضطراب و پریشانی حال دشمن همین قدر کافی است که از همه صرف یورش دروغی برده شود و اگر ممکن باشد با نودبان بالا بروند و این معنی وقتی ممکن است که دشمن همه زور و قوت خود را مقابل باستانیان بیآورند. درین صورت می‌تواند که با نودبان هم داخل شهر شوند. اعتقاد دولتخواه ز راه کسب اخلاص این است که همین فرمایش شاهانه جدید باعث تاخیر کار می‌شود و با این همه استعداد و قوت شاهنشاهی دگر پیش این جمعیت قلیل مانند بی‌آنکه نقصی به دولت رو دهد مسکن نیست و این تاخیر روز به روز باعث از دست رفتن جسارت و جرأت اهل قلمه می‌شود. زیاده برین جرأت به عرض مفصل ندرد.

الامرالاشرف الاعلی مطاع مطاع
زیست نامه سجع مهر: [غرف ایوان سیمونچ وزیر مختار دولت روسیه، خطاب به حاجی میرزا آقاسی:]

«جناب حاجی، بنویسید جوابش را که توپهای باستانیان را که نمی‌کنم، برای ساچمه انداختن چند توپ در باستانیان

لازم است. چهارهزار پوند می بریم به باستان، چهار توپ بزرگ می بریم مقابل برج، مسخانه از باستان یورش کلی می‌کنم. سریرین هم انشاءالله در کمال سهولت داخل برج و باستان می‌شوند. یورش دورگی هم نمی‌خواهد یورش حقیقی می‌برند^۲. انشاءالله تعالی از همه طرف.»

اسناد روابط خارجی ایران در دوره ناصرالدین شاه:

بخش عمده اسناد روابط خارجی ایران در دوره ناصرالدین شاه نیز مربوط است به روابط ایران با روس و انگلیس که شامل گزارش‌های صدر اعظم، وزیر خارجه و دیگر مسئولین به شاه است. یکی از مهمترین اسناد مزبور سندی است که امیر کبیر در زمان صدارت خود در سال ۱۲۶۵ ه. ق. (دو سال بعد از انعقاد معاهده ارزنة الروم بین ایران و عثمانی) در مورد تجاوز عثمانی‌ها به خاک ایران، به وزیرای مختار دو دولت روس و انگلیس نوشته است (سند شماره ۲ در این مجموعه).

اسناد شماره ۲

جناب محبت و جلالت نصایب، فیخامت و مناعت انتساب

محبان استظهار، مشفقاً، مکرمات

اگرچه دو سه روز بیشتر موافق اخبار وارده سرحد، شرحی در باب آمدن جناب رشید پاشا به حدود سلماس و تجاوز از لشکریان به قریتین خانک دیریک منک متصرف فیبه این دولت علیه به آن دولت مهربان و مشفق نکته‌دان قلمی داشته، به عالی جاه میرزا محمد علی خان تائب وزارت دول خارجه نیز گفته بود که مراتب را حضوراً و شفاهاً هم خدمت آن جناب حالی نماید و حاجت به اظهار مجدد نبود، اما رسیدن دو سه طغرا رقیمه از نواب فرمانفرمای آذربایجان و وصول نوشته از عالی جاه مغرب الخاقان میرزا جعفر خان درین زودی و ورود اخبار متواتره از سرحد داران دولت علیه همگی مشتمل بر اینکه از قشون جناب مشارالیه تجاوز به محل‌های مزبوره شده و علاوه یک نفر فولر آقاسی باشی را سواره به سرده سور محال رشت [۹] و اینکه می‌نویسند از جناب رشید پاشا با قشونش آثار تجاوز و تخطی بیشتر

ظاهر می‌شود مقتضی و موجب دیگر شد که رسماً به تحریر این نوشته ثانوی پردازد. آن جناب این معنی را بهتر می‌دانند، در صورتی که این گونه اظوار و حرکات از جناب مشارالیه در هنگام استقرار میانی مودت و استحکام دوستی و خلقت به ظهور آمده، از یک طرف مامورین دولتین برای تعیین خط سرحد مجتمع شوند و از طرف دیگر قشون جناب مشارالیه به خاک متصرف فیبه این دولت علیه چنانکه می‌نویسند داخل گردد، این دو معنی هیچ مناسب با یکدیگر نخواهد داشت.

قریب شش سال می‌شود که امتای دولتین بهیستین روس و انگلیس انظار حسن مودت برای رفع غوائل و مطالب دایره بین الدولتین علیتین ایران و عثمانی گماشته‌اند و اولیا و سفرا و وکلای

مامورین از طرف ایشان پای توسط در میان گذاشته و در اسلامبول و ارزنة الروم و دارالخلافه طهران درین مدت صرف اهتمامات برای انجام و اتمام این کار شده تا بواسطه چندین مراقبات معاهده بین الدولتین العلتین سمت استقرار و استحکام یافته و حال مامورین تعیین شده‌اند که خط سرحد را هم به اتمام رسانند و اولیا و سفرا و وکلای مامورین دولتین فحیمتین واسطه از رنجها و زحمات سابقه به کلی فارغ و آسوده شوند، با چنین حال مناسب نبود که سرحدداران دولت علیه عثمانی خواسته باشند به طوره‌های مسظوره فوق منافی ماموریت مامورین دول اربعه رفتار نمایند و حرف تازه به میان آید، و در هنگامی که مامورین می‌خواهند برای تعیین خط سرحد مجتمع شوند



احوال و کیفیات مزبوره در آن سرحد به وقوع و ظهور برسد. قشون جناب رشید پاشا با استعداد به سرحد آمد، سهل است بعضی داخل ملک متصرف فیه این دولت علیه شود و علاوه بر اینها تبعه این دولت علیه را به زیرش و بخشش و خلعت و نوازش چنانکه مذکور است ترغیب و تحریض گردد، علی ایق التقادیر، حال به آن جناب دوست مشفق مکرّم صراحتاً اظهار می شود که اگر منظور آن جناب نوشتن مراتب مسزوره به دارالخلافت اسلامبول باشد طول خواهد کشید، و حرکتی که سرحداران آذربایجان از قشون جناب رشید پاشا می نویسند که هر روز به امری تازه اقدام می کنند یقیناً باعث اغتشاش و بی نظمی امور سرحدیه و عشایر و ایلات آذربایجان خواهد شد.

از آن جناب مشفق مکرّم که دولتخواه و صلاح اندیش این دولت علیه هستند خواهش دارم که فراری در باب رفع اینطورها که منافی اتحاد دولتین است بگذارند و جناب رشید پاشا را از حدود و خاک دولت علیه ایران رجعت دهند که بواسطه اینطور حرکات امری در سرحد واقع شود که مایه گفتگوی تازه مابین دولتین باشد، زحمت کشیده و به زودی جواب مرقوم دارند.

۲۱ جمادی الاول ۱۲۶۵

[دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه سند]:

« این کاغذی که جناب امیر نظام در باب تجاوز رشید پاشا از خاک خود به خاک ایران به وزرای مختار دولتین روس و انگلیس نوشته است حکم ماست و صحیح است. »

سنه ۱۲۶۵

[سند شماره ۲ در این مجموعه]

در عین این که ناصرالدین شاه بر طبق سند مزبور امیر را تأیید می کند و نوشته او را حکم خود می خواند؛ متن سند ذیل گویا این مدعاست که در مذاکره خصوصی که با شیل داشته است از حضور امیر ممانعت می نماید. (سند شماره ۳ در این مجموعه)

متن سند شماره ۳

(دستخط ناصرالدین شاه به امیر نظام)

جناب امیر نظام

انشاء الله احوالتان خوب است، صبح میرزا محمد علی خان ۳ اجازه آمدن شیل ۳۱ (کننل شیل سفیر انگلیس در ایران) را کرد و حالا خواهد آمد،

شما البته بالاخانه هستید تا شیل بیاید و برود، آن وقت حضور بیائید.

مستوفی الممالک را دیده در باب حساب حکم شد که محاسبه های ایت تیل را دوباره کلاً بیاورد ملاحظه شود.

دستور تحمل های جدید را ندیدم، البته بفرستید، والسلام.

لازم به توضیح است که روس بعد از یک سال بعد از فتح تاشکند، ابتدا حدود و بعد از آن در ۱۲۸۵ سمرقند و بخارا و هسجس چندان سال بعد ۱۳۰۰ ق (۱۸۸۲ م) به میجد رسیدند. آنجا، مرورا به تصرف خود درآوردند.

گاهی نیز سفارت انگلیس در حوالی مواد عهدنامه ترکمنچای در ارتباط به منافع خود اصرار می ورزیده است. متن سندی که تاریخ ۱۲ رجب ۱۲۷۸ تحت عنوان بود که مذاکرات وزیر مختار انگلیس که در این تاریخ چارلز آلینسون Chavles Alison بوده است، حاکی از این امر است. وی در این نامه اعتراض می کند به این که کارگزاران آذربایجان از بهر وثیت قبالتجات خانه برای رعایای دولت خارجه مضایقه می کنند و این خلاف فصل پنجم عهدنامه ترکمنچای است که در آن رعایای خارجه محق به ابتیاح خانه و بیار می باشند و شاره می کند به تأکید قبلی گزیده نامه که اظهار داشته بود، در صورتی می تواند از حق مذکور مستفاده نماید که تحصیل خانه به طور اجاره مقبول نشود. وزیر مختار در قسمتی از نامه می نویسد: «دوستدار حال آن جناب را مطلع می نمایم که نمی تواند این طرز ترجمه فصل پنجم عهدنامه ترکمنچای همراهی نماید.»

در میان نامه ها و گزارش های متعددی که در ارتباط با روس و انگلیس به ناصرالدین شاه نوشته شده، نامه ای ۳۳ است که میرزا سعید انصاری مؤتمن الملک (شخصی که به مدت ۲۲ سال وزیر امور خارجه بود) به ناصرالدین شاه نوشته است متن این گزارش حاکی از مذاکرات نویسنده نامه با دیکسون (Dr Dickson) فرستاده وزیر مختار انگلیس (آلیسون ۳۳) است. این سند در تاریخ شانزدهم جمادی الثانی ۱۲۸۱ از نظر ناصرالدین شاه گذشته و مطلب عمده آن راجع به اظهارات فرستاده وزیر مختار انگلیس است. از قبیل آن که شاردافر دولت انگس مقیم پترزبورگ اطلاع داده است که دولت روس در شرایط کنونی به علت فراغت خیالی که از طرف اروپا حاصل نموده، خیالاتی در مورد ترکستان دارد و خیر این که آن طرف مجهز به ساز و برگ نظامی گردیده و تا به حال فتوحات و تصرفاتی نیز داشته است، از جمله شهر تاشکند را متصرف گردیده و عنقریب صاحب بخارا و تمامی ترکستان خواهد شد و این برای دول انگلیس و ایران لازم است که از حرکات و خیالات روس در آن حدود آگاه باشند و اظهار بر این که روسها خیال ساختن یک قلعه در دهته رود ترک دارند.

در آخرین نامه آمده است:

«فرض دوستدار است که آن جناب را مطلع سازد که از جهاتی که در فوق ذکر شده، دوستدار باید حق رعایتی دولت انگلیس را در امتیاع نمودن خاتمه به مقتضای مصیحت خود آنها مطالبه نماید و دوستدار صریحاً از جانب دولت انگلیس از هر گونه حرکت خلاف یعنی بحال مذکور پروتست می نماید.»

از دیگر اسناد روابط ایران و انگلیس، سند متعددی است درباره تجزیه قسمتی از سیستان و بلوچستان از ایران. به حکمیت سرفردریک گند سمیت در سال ۱۲۸۹ ق. شخص مذکور در سالیهای ۱۲۸۱ تا ۱۲۸۹ در تاریخ سیاسی ایران رول مهمی را بازی نموده و در قضایای سیستان دخالت مهم داشته است.

سند و گزارشات فوق مربوط است به مذاکره دولت ایران با نمایندگان دولت انگلیس، درباره موضوع سیستان و بعضاً در رابطه با فرمانروای هندوستان و افغانها، یکی از اسناد شام گزارشی است در باب مذاکره نویسنده نامه با وزیر مختار انگلیس. در این ملاقات وزیر مختار از قدر افغانها ایران را تهدید می کند که آنها گفته اند: «دولت ایران مسک های ما را به زور گرفته است. یا ما به دولت ایران جنگ می کنیم و به زور تسلیم فاجح می شویم. یا با حکمیت انگلیس ساخته نامه می شود.» از متن سند چنین برمی آید که به هر نحو نماینده ایران با وزیر مختار نریش نشان می دهد، وی اشکال تراشی نموده و از قول افغانها دم از جنگ و تساحب به زور می زند.

شاید ذکر است که مقصود دولت انگلیس این نبود که بین ایران و افغانستان حکمیت بشود. با این که بین ایران و افغانها با امیران کلات اختلافات سیاسی وجود داشت، در این تاریخ چنین چیزی وجود نداشت، ولی این اختلافات عمداً توسط عمال سیاسی دولت انگلیس تولید گردید که دولت انگلیس در قسمت های مخصوص بلوچستان و همچنین در قسمت های معلوم و معین سیستان دست داشته باشد و تصور می نمود هر قدر دولت ایران اظهار دوستی

و یگانگی و صداقت نسبت به انگستان نشان بدهد، شرط عقل نیست از طرف دولت انگلیس نسبت به آنها اظهار اعتماد شود.^{۳۸}

در بخشی از یک نامه دیگر که به ناصرالدین شاه نوشته شده و احتمالاً از طرف میرزا حسین خان مشیرالدوله و مربوط به سال ۱۲۸۸ ق. می باشد، در باب قرارنامه مربوط به سیستان می نویسد:

«امضای این قرارنامه به اعتقاد قاصر

فدوی ضرر ندارد. مشروط به این که از طرف وزیر امور خارجه ما در مجلس ملاقات شفاهاً و به دریا داشت ها کتباً مکسوبات خاطر دولت علیه ایران را به وزیر مختار حالی ندیده که دولت علیه از روی تمسیدان به حقانیت و انصاف انگلیس این اختیار را به ایشان داده و تکن هم مشتتر نخواهد بود که تکلیف خفت و حقارت در مقابل افغانها به او بشود که ملک منصرفی خود را به شیر



درباره موضوع فوق، میرزا حسین خان مشیرالدوله در زمان صدارت خود نامه‌ای^{۱۱} مضموناً به مهر خودش با سجع صدراعظم، در تاریخ رجب ۱۲۸۹ به ناصرالدین شاه نوشته است که در این نامه اشاره می‌کند به دستور ناصرالدین شاه که از او خواسته است نظر خود را در دو مورد قبول حکمیت کند اسمیت و یا ارجاع موضوع به لندن اظهار دارد و به امر شاه واگذار نکند. مشیرالدوله پس از تعارفات معمول از قبیل این که مهارت شاه در امور سیاسی به درجه اعلی است، اظهار نظر خود را دال بر تحقیقات بیشتر دانسته و به بعد موکول می‌کند و در بخشی از نامه راجع به مذاکره خود با تامسن William Taylor Thomson فرستاده ویژه و وزیر مختار انگلیس^{۱۲} در مورد موضوع فوق می‌نویسد:

«منت گذاردم که سرکار اقدس شاهنشاهی روحانفاده چقدرها در تقویت حسن مرادها با دولت انگلیس سعی و اهتمام می‌فرمایند، زیاده زحد متشکر شد. حقیقتاً مرادها حایه مرادها با دولت انگلیس به هیچوجه مشابهت به سابقه‌ها ندارد، دیروز تامسن می‌گفت خیالات دولت علیه ایران را در تزئین مودت با دولت انگلیس به لاردرغرانویس^{۱۳} نوشته بودم، جواب خیلی طولانی نوشته بود که



باید آورده به جهت شما قرائت نماید.» آنچه مسلم است در بعضی اوقات نمایندگان دو دولت روس و انگلیس در عزل و نصب حکام و والیان ایالات مخصوصاً نواحی مرزی موثر بوده‌اند. در اثبات این ادعا گزینشی است از محمد رحیم خان علاءالدوله امیر نظام. آن طور که از متن سند برمی آید تاریخ آن مربوط می‌شود به سال‌های ۹۹-۱۲۹۸ ق. زیر در آن تاریخ علاءالدوله منتقب به امیر نظام و پیشکار مظفرالدین میرزا ولیعهد در آذربایجان بوده^{۱۴} و طالش نیز از تقسیمات آذربایجان، علاءالدوله در این گزارش اظهار می‌دارد که خیال تغییر میر اسمدالله خان حاکم طالش را داشته، ولی وزیر مختار روس به دلیل این که شخص نامبرده در کارهای دولت روس خوب همراهی کرده است از این امر ممانعت به عمل می‌آورد و علاءالدوله متذکر می‌شود که تغییر میر اسمدالله خان جایز نیست زیرا باعث رنجش روس می‌شود.

علی رغم این نوع روابط گاهی نیز حکامی دلسوز و وطن دوست بوده‌اند که در مقابل اجحافات این دول متواضع می‌گردند در این رابطه چندین^{۱۵} گزارش مضموناً به مهر حسینی که منظور حسینی خان نظام السطنه ما فی بوده موجود است و اسناد بدون تاریخ به حتمال قوی مربوط به سال ۱۳۰۶ ق. می‌باشد که وی حاکم خوزستان بوده است. نامبرده در این گزارش‌ها نگرانی مکرر خود را از نفوذ روزافزون افراد انگلیسی در خوزستان و خصوصاً اهواز در ارتباط با کشتیرانی در کارون، امور تجاری و غیره رسانده و در اعلام خضر از تسند انگلیس در آن منطقه یکی از گزارشات خود را با شعر ذیل به اتسام رسانده است.

چون به خدایه مرغ اشتریب نهاد
خان ویران گشت و سقف اندر افتاد
در پی نوشت یکی از گزارشات فوق که وی جهت مقابله با بیگانه، تدابیری تدبیه و گویا مذکراتی با نمایندگان انگلیس تجده داده بود. دولت مرکزی او را شدیداً منع نموده و ضرورت عدم دخالت خود سرانه وی را گوشزد می‌نماید.^{۱۶} ناصرالدین شاه نیز در حاشیه با خط خودش نوشته: «کار بدی کرده است و تدبیر خیلی خنک بد» مرپرسی ساینکس در کتاب هشت سال در ایران خود در سفر به خوزستان از برخورد سرد و غیر معمول وعده همراهی نظام السطنه با وی یاد

کرده ویس از شرح برخوردهایی که با وی داشته می‌نویسد: «حسینی نکشید که به عنایت سوه تدبیر، نظام السطنه و برادرش از مقام خود منتفصل شدند».

سند رونق خارجی دوره ناصرالدین شاه مانند سایر مکاتبات اسناد این دوره نسبت به دوره‌های قبلی و بعد از خود از وفور بیشتری برخوردار است که به نمونه‌های ذکر شده قناعت می‌نمایم.

نامه‌ها و گزارش‌های فوق که نمونه‌ای از هزاران سند موجود در این سازمان است، پیاپی استوار و مایه اطمینان بخش تحقیقات تاریخی بوده و بسیاری از رویدادهای مهم و رزهای مکتوم تاریخ را آشکار ساخته، زمینه تحقیقات در یک دوره از تاریخ ایران را برای پژوهشگران فراهم می‌آورد.

زیر نویس:

- ۱- اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۳۶- ص (۱)
- ۲- عینی به ماده تاریخ رجال ایران، ج ۲، ص (۱۶۶-۱۶۷)
- ۳- اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران آلبوم ۱۷۱، ص (۶۱۱)
- ۴- عینی آیین پور، از صبا آینه، ج ۱، ص (۲۱۹)
- ۵- اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۱۷۱، ص (۶۱۳)
- ۶- ص: شاهنشاه اعظم در ایران آنهم، مرحمت و شهنشاهی که نسبت به دستار...
- ۷- عینی آیین پور (ترجمه)، خصرات وزیر مختار از عهدنامه ترکمن‌چای تا جنگ هرات، ص (۱) پیشگفتار
- ۸- اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران آلبوم ۱۷۱، ص (۷۳۳)
- ۹- ص: بیرونی
- ۱۰- اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران آلبوم ۱۷۱، ص (۷۱۳)
- ۱۱- اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران آلبوم ۱۷۱، ص (۷۱۹)
- ۱۲- اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران آلبوم ۱۷۱، ص (۷۱۳) - سند شماره ۳

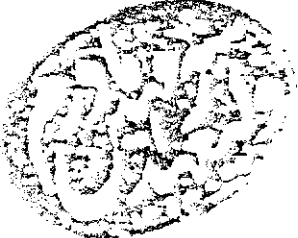


- ۱۳- دکتر حمد، ترجمه‌شده، تاریخ روابط ایران و روسیه در پست و فنون نوآمده، ص ۱۰۶ و ۱۰۷ (۱۹۵۲)
- ۱۴- از اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۱۹۶۱، ص ۱۳۳- سند شماره ۲
- ۱۵- از اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۱۹۶۱، ص ۱۳۲
- ۱۶- یحیی آریز، دور (ترجمه)، همان کتاب، همان صفحه
- ۱۷- همان کتاب، ص ۱۰۱
- ۱۸- از اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۱۹۶۱، ص ۱۳۳
- ۱۹- محمود مجتهد، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، ص ۳۱۰
- ۲۰- از اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۱۹۶۱، ص ۶۰۶، سند شماره ۲
- ۲۱- محمود محمود، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۶

- ۴۰- از اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۱۹۶۱، ص ۳۴۵
- ۴۱- از اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۱۹۶۱، ص ۱۹۰
- ۴۲- غلامحسین میرزا صالح، دیپلماتها و کنسولهای انگلیس در ایران، ص ۴۹ و ۱۳۴
- ۴۳- آر جی لوسون گونر گرانویل Earl George Leveson Gower Granville از سال ۱۲۷۸ الی ۱۲۹۱ ه. ق. وزیر امور خارجه انگلیس بوده است غلامحسین میرزا صالح همان کتاب، ص ۲۰۵
- ۴۴- بامداد، تاریخ رجال ایران، ج ۳، ص ۲۰۰
- ۴۵- از اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران، مجموعه ۸۹
- ۴۶- احتضار، دستخط امین السلطان

- کبیر قولی است که جمله متخصصین تاریخ قاجار برآورد و نقش او را در از میان برداشتن این فرزند رستین ایران کنند می‌کنند.
- (حسین ابویزاییان «ترجمه» - خاطرات پندی ش. مقدمه مترجم ص ۴ و ۸)
- ۳۲- از اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۳، ص ۳۶
- ۳۳- این شخص در این تاریخ در سفارت انگلستان بود و جنرال دیگسون که هنگام کودتا (۱۲۹۹) در طهران بود فرزند این شخص می‌باشد که افتخار داشت تولد او در طهران بوده (محمود محمود، تاریخ سیاسی ایران و انگلیس، ج ۳، ص ۴۵۰)
- ۳۴- Charles Alisoh چارلز آلیسون فرستاده ویژه و وزیر مختار از هفتم آوریل ۱۸۶۰ (۱۲۸۹) تا بیست و نهم آوریل ۱۸۷۲ (۱۲۸۹) (غلامحسین میرزا صالح، دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس) - ص ۲۰
- ۳۵- محمود افشار یزدی، تالیف، سید ضیاءالدین دهشیری ترجمه، سیاست اروپا در ایران، ص ۲۴۳ و ۲۴۴
- ۳۶- از اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۴۲، ص ۵۰-۴۹
- ۳۷- از اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۱۴، ص ۳۴۷-۳۴۶
- ۳۸- محمود محمود، همان کتاب، ص ۹۵۶
- ۳۹- امیر شیرینی خان مدت ۱۷ سال از سال ۱۲۸۹ الی ۱۲۹۶ پادشاه افغانستان بوده است (بامداد تاریخ رجال ایران، ج ۴، ص ۴۴۹)

- ۲۲- از اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران
- ۲۳- از اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۱۹۶۱، ص ۱۳۲
- ۲۴- از اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۱۹۶۱، ص ۱۰۱ و ۲
- ۲۵- اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۱۷۰، ص ۱۳۰، سند شماره ۳
- ۲۶- اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۴۱، ص ۱۱۲
- ۲۷- اسناد خزانه سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۸۸، سند شماره ۲۸
- ۲۸- اصل: و شد
- ۲۹- اصل: می بردند
- ۳۰- میرزا محمد علی خان وزیر خارجه وقت
- ۳۱- جستن تینس (کلنس) از طرف دولت انگلیس ۳ دوره مامور در ایران بوده است. بار اول به صورت مستشار نظامی عباس میرزا در زمان فتحعلی شاه، بار دوم به صورت وزیر مختار انگلیس در دربار محمدشاه و ماموریت سوم و که سند مربوط به آن دوره است به مدت سه سال نیم از نتیجه ۱۲۶۵ تا جمادی الاول ۱۲۶۹ قمری به طرف انجمنیه که آخرین ماموریت سیاسی به حساب می‌آید.
- دشمنی کش شیل با میرزا تقی خان امیر



حضرت مولانا ابوالفضل محمد علی
 کرم اللہ کاظمی صاحب مدظلہ العالی
 مدرسہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند
 مدرسہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند
 مدرسہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند
 مدرسہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند
 مدرسہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند
 مدرسہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند

حضرت مولانا ابوالفضل محمد علی صاحب مدظلہ العالی

حضرت مولانا ابوالفضل محمد علی صاحب مدظلہ العالی

حضرت مولانا ابوالفضل محمد علی صاحب مدظلہ العالی

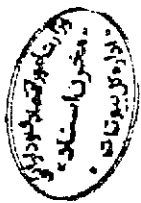
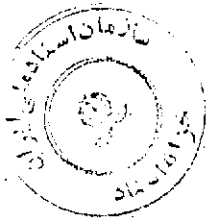
حضرت مولانا ابوالفضل محمد علی صاحب مدظلہ العالی

حضرت مولانا ابوالفضل محمد علی صاحب مدظلہ العالی

حضرت مولانا ابوالفضل محمد علی صاحب مدظلہ العالی

حضرت مولانا ابوالفضل محمد علی صاحب مدظلہ العالی

حضرت مولانا ابوالفضل محمد علی صاحب مدظلہ العالی



Handwritten notes in the upper right corner, including the name 'امیر خسرو' and other illegible text.

را به معنی است از این جهت که

Main body of handwritten text in Nasta'liq script, consisting of approximately 22 lines of verse or prose.

حالت از نظام
یا اله اعوانا یا

صحیح حریر احمد بن حنبل
یا رطلا یا
یا آله

یا آیه
یا آیه

صفر بر سر

در باب
در باب

رست نثر را در میان

مذلل بود

ترجم اله للعلم

Handwritten notes in Persian script at the top of the page, including phrases like 'مجلس' and 'مجلس'.

عزیزت درگاه من

ایکونصابت این شرفنامه که در میان من گرفتار شدم

و با درجه ای برون مرز و نگرانی است بر سر و اما قطعاً به

مراوده با من گرفتار که کرده اند از این مجلس و عزیزت لیسنا

در سال اوله تو اول مجلس و جب او که مرتباً را برین ملاقات

در این نیت به بر سر کار من حکم کرده اند که با در این

ایکون شرفنامه غایت نایب است و عموماً در دست بر بند و باز

مراوده که او که در این است که یکی خواهد بنده از تو به بر آن

در این مراوده در این سر نشو به بر طرفت باغ تو به یک نیت که

ایکون غایت دارد و در آن ان شرفنامه که یک انار و رشوه در

تقریباً نه گفت و نمود ما به هر چه بود که در آن نام و در آن

